فهرست مطالب

[خطبه‌ي اول 1](#_Toc453757732)

[حسدورزی 1](#_Toc453757733)

[برگشت بسیاری از صفات رذیله به حسد 1](#_Toc453757734)

[جمع گناه کبیره بودن حسد با رفع قلم از آن 2](#_Toc453757735)

[حسادت آفت شخصیت انسان 4](#_Toc453757736)

[وظیفه ما در قبال حسد 4](#_Toc453757737)

[وظیفه اول: جلوگیری از ظهور حسد در عمل 4](#_Toc453757738)

[وظیفه دوم: 5](#_Toc453757739)

[خطبه دوم 7](#_Toc453757740)

[امام موسی صدر 9](#_Toc453757741)

[اصلاح وضع آشفته لبنان با تدبیر امام موسی صدر 10](#_Toc453757742)

[امام موسی صدر و حمایت از انقلاب ایران 10](#_Toc453757743)

[هفته دولت 11](#_Toc453757744)

[فرازی از رهنمودهای مقام معظم رهبری 11](#_Toc453757745)

[وظایف فرهنگی حکومت 11](#_Toc453757746)

# خطبه‌ي اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم ‏الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه؛[[1]](#footnote-1) ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم‏يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همه‌ي شما برادران و خواهران بزرگوار و نمازگزار و خودم را به پارسائي و خویشتن‌داری و صبر و بردباري و شکر و سپاس خداوند سفارش و دعوت می‌كنم. اميدواريم با عنایات بيكران الهي همه‌ي ما از بندگان پارسا و شکیبا و موفق در بارگاه خداوند قرار بگيريم.

##  حسدورزی

بحثي كه امروز شروع خواهم كرد در مورد يكي از خصلت‌های ناپسند و نکوهیده‌ی اخلاقي كه هم به لحاظ فردي به انسان در دنيا و آخرت خيلي ضرر می‌رساند و هم در ابعاد اجتماعي و خانوادگی پیامدها و دستاوردهای منفي زيادي دارد و از رذایل اخلاقي است كه هم در قرآن كريم مورد نكوهش قرارگرفته هم در منابع و کتاب‌های روایی ما مورد مذمت فراوان قرارگرفته است.

 اين خصلت بداخلاقی و رذیلت اخلاقي رشك بردن و حسدورزی است. همه‌ی شما برادران و خواهران بزرگوار در بحث‌هایی كه شنيديد مطالعاتي كه داشتيد مسلم در باب حسد حسادت و رشک بردن به ديگران مطالب زيادي شنیده‌اید و به‌عنوان يك صفت بد و درخت فاسدي كه در قلب انسان اگر رشد بكند و در روان انسان اگر رشد بكند آثار و ضررهای زيادي دارد مطالبي را در باب حسد شنیده‌اید. بنده هم در يكي دو خطبه يا دو سه خطبه انشاءالله در باب حسد و حسادت به استناد آيات و روایات و مطالبی كه در روانشناسي آمده مسائلي را عرض می‌كنم و اميدواريم كه اين بحث و گفتگو و این مذاکره‌ی پيرامون يك مبحث بسيار مهم اخلاقي منشأ اين بشود كه همه‌ی ما تلاش بكنيم خودمان را از اين رذيلت وصفت ناپسند اخلاقي انشاءالله دور بداريم.

### برگشت بسیاری از صفات رذیله به حسد

 همین‌طور عرض كردم حسد و حسادت يك صفت بدي است كه علاوه بر آن‌که روح انسان را پائين می‌آورد و موجب آلودگي و کدورت شديد روح و جان و روان آدمی می‌شود در ابعاد خانوادگي و اجتماعی و روابط انسان‌ها هم تأثیرات بسيار منفي باقي می‌گذارد بخصوص وقتی‌که اين صفت بد اخلاقي كه بعداً تعريف خواهم كرد در عمل و رفتار انسان بخواهد ظهور و بروز پيدا بكند بسياري از صفات ناپسند اخلاقي بسياري از افعال و رفتارهای ناجور ما در روابطمان در خانواده و در جامعه و در روابط خويشاوندي در روابط كاري در روابط اجتماعي برمی‌گردد به آن روحيه حسادتي كه اصلش هم در طبيعت انسان هست، اما همه‌ی ما مكلفيم كه جانمان را و روحمان را از آسیب‌ها و آفت‌های اخلاقي مصون بداريم پالايش بكنيم و تلاش بكنيم آن را از خودمان دور بكنيم.

### جمع گناه کبیره بودن حسد با رفع قلم از آن

 البته اين نكته را عرض بكنم كه حسادت و رشک بردن به ديگران آن‌قدر صفت رایج و قوی در روح و جان آدم است كه به‌سادگی نمی‌توان اين درخت را از بن و ریشه از جان و روح انسان بركند به‌سادگی اين كار ميسر نيست و دليل اين قضيه هم اين است كه در روایات دارد كه ما ازیک‌طرف در روايات كه به‌تدریج انشاءالله در دو سه خطبه در اين مجلس و محضر مبارك مطالب را عرض خواهم كرد روايات را توضيح خواهم داد ازیک‌طرف ما وقتی‌که به روايات مراجعه بكنيم می‌بينيم كه هرچه شما تصور بكنيد در نكوهش و مذمت اخلاق حسد و حسادت داد سخن داده‌شده هم در آيات قرآن كريم هم در رواياتي كه از پيامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد ابن عبدالله و هم رواياتي كه از ائمه‌ی طاهرين نقل‌شده هرچه بگوئيد داد سخن داده‌شده هم در رواياتي كه اهل تسنّن نقل کرده‌اند و هم در رواياتي كه شيعه از پيشوايان معصوم نقل کرده‌اند هرچه بگویید نقل‌شده و انشاءالله به‌تدریج هم در طي چند خطبه‌ای كه پيرامون حسادت بحث خواهيم كرد ملاحظه می‌كنيد اما درعین‌حال در يك روايتي كه چند جور نقل‌شده اين روايت آمده كه خداوند قلم را از چند چيز برداشته در بعضي روايات سه چيز در بعضي روايات دارد شش امر و روایاتی هم نه چيز ذکرشده كه خدا بر این‌ها عذاب نمی‌كند خدا انسان‌ها را به خاطر آن‌ها مواخذه نمی‌كند حالا آن سه يا شش يا نه چيز را من نمی‌خواهم واردش بشوم آن بحث ديگري دارد يكي از چیزهایی كه در اين روايات آمده كه خدا مردم را به خاطر آن مواخذه نمی‌كند حسد است می‌گوید خدا مردم را به خاطر حسادت مواخذه نمی‌كند خدا منت گذاشته بر بشر خدا منت گذاشته است بر بندگان خودش و آن‌ها را بر حسادت عذاب نمی‌كند اين دوتا را چطور شما جمع می‌كنيد سؤالی كه اينجا طرح شد این‌ است که ازیک‌طرف اين سؤال را دقت بكنيد تا جوابي كه می‌دهم انشاءالله موردتوجه قرار بگيرد ازیک‌طرف شايد مبالغه نباشد بگوییم كه صدتا و بیش از صد روايت و چندین آيه این‌ها را كه كنار هم بگذاريد آدم به‌خوبی می‌بیند كه حسادت را به‌عنوان يك گناه كبيره تلقّي كرده و وعده‌ی عذاب بر آن داده‌شده و مورد مذمت فوق‌العاده قرارگرفته كه آدم مبتلاي به حسادت و چشم هم‌چشمی‌ بيجا و رشک بردن بر نعمتي كه خدا به ديگران داده بشود این‌قدر نكوهش شده اين یک‌طرف اما یک‌طرف دیگر رواياتي واردشده كه می‌گوید خدا مردم را عذاب نمی‌کند به خاطر چند چيز خدا می‌بخشد منت می‌گذارد و می‌بخشد و مورد مواخذه و عذاب قرار نمی‌دهد نسبت به چند امر كه يكي از آن‌ها حسادت است حالا سؤال اين است كه اين دوتا چطور باهم جمع می‌شود يك سؤال مهم است در روايات ما و در اخلاق اسلامی که ازیک‌طرف می‌گوید حسد ايمان را می‌خورد حسد همه‌ی ایمان را می‌بلعد در خودش حسد شخصيت انسان و معنویت انسان را منكوب می‌كند اين ازیک‌طرف ولي از آن‌طرف هم روايات می‌گوید كه خدا منت گذاشته و شما را به خاطر حسد عفو می‌كند. سؤال اين است كه اين دوتا مطلب كه در روایات آمده چطور باهم جمع می‌شود.

 احتمالاً برادراني يا خواهراني باشند كه جواب اين در ذهنشان باشد اگر هست كه من یادآوری می‌كنم اگر هم در ذهن كساني جواب اين سؤال نيست اين را من توضيح می‌دهم دقت بكنيد جواب اين سؤال اين است كه حسادت به‌عنوان يك صفت اخلاقي آن‌قدر دامن‌گیر بشر است آن‌قدر ابتلاي به اين مرض وسيع و گسترده است كه تا مادامی‌كه در قلب باشد خدا او را عذاب نمی‌کند خيلي بداست بسيار زشت است بسيار آفت و ناهنجاری و مریضی كشنده است حسادت به‌عنوان يك امر اخلاقي در قلب انسان اما درعین‌حال آن‌قدر اين مرض وسيع و گسترده است و انسان‌ها در سطح فراگيري به آن مبتلا هستند كه خدا منت گذاشته می‌گوید من ميدانم شماها نمی‌توانيد بر حسادت در قلب و درون خودتان فائق بشويد غلبه‌ی شما بر حسادت به اين سادگي امکان‌پذیر نيست خدا منت گذاشته می‌گوید من عذابت نمی‌كنم خيلي امر بدي است بسيار مذموم و نکوهیده است و زشت و قبیح است براي انسان كه در روح و روانش مبتلاي به حسادت باشد اما آن‌قدر مشكل است كه آدم خودش را از اين آفت آزاد بكند كه خدا لطف كرده می‌گوید من شما را عذاب بر آن نمی‌كنم اما تا كي تا وقتی‌که در دلت باشد تا وقتی‌که در اعضاء و جوارح گفتار و رفتار تو و برخورد اجتماعي تو با ديگران اين حسادت رو نیاید تا رو نیامده خدا می‌بخشد اما اگر اين حسادت از قلب بيرون زد اگر این حسد از دل فراتر آمد در رفتار من در سخن من در برخورد و گفتار من بروز و ظهور پیدا کرد آن‌وقت خداوند بر حسادت عذاب می‌كند به‌شدت هم خدا عذاب می‌کند و از کبایر هم تلقي می‌شود.

 اين جمع اين دو دسته روايات است رواياتي كه می‌گوید حسادت گناه كبيره است حسادت ايمان انسان را می‌بلعد مؤمن هرگز مادامی‌كه مومن است حسد نمی‌ورزد و از آن طرف هم رواياتي می‌گوید كه شما را بخشيديم حسد را بر بني آدم بخشوديم چند جور جمع شده يكي از جوابهايش را من اين جا عرض كردم چند جواب ديگر هم در كتاب ها داده شده كه آن‌ها حالا بحث‌هاي شايد دور از ذهن تري باشد من وارد آن نمي‌شوم جواب ساده و راحتش اينجا همين است تا وقتی‌که آدم در دلش است خيلي اين صفت بدي است در روح وروان آدم مانع و مزاحم بدي است، مانع رشد و كمال انسان می‌شود اما خدا عذاب نمی‌كند بدي‌اش سر جاي خودش هست آدمی‌كه در دلش به ديگران رشك می‌برد آرزو می‌كند كه نعمت از ديگري زائل بشود برادرش خويش و قومش رفيقش دوستش فردي در جامعه داراي يك نعمتي است خانه‌اي دارد، زندگي مرتبي دارد امكاناتي دارد علمی‌دارد سوادي دارد مقامی‌دارد چيزي دارد اگر كسي دلش بخواهد كه خدا اين را از او بگيرد اين بسيار چيز بديست اين نشان دهنده ضعف شخصيت است نشان دهنده‌ي ضعف ايمان است اما تا وقتی‌که در دل باشد خدا می‌گوید بخشيدم، براي اين كه به سادگي ما و شما نمی‌توانيم خودمان را از حسادت خلاص بكنيم اين مثل يك ميكربي است كه آمده يك شهري را همه را گرفته غالب انسانها در روح و روانشان مبتلاي به اين ميكربند به اين آفتند به اين مرض بسيار بد وزشتند اما چون اين مرض خيلي فراگير است خيلي دامنگير است آزاد شدن از اين صفت بسيار مذموم اخلاقي بسيار دشوار است خدا می‌گوید كه من شما را تا وقتی‌که در دل نگه داشتيد اشكالي ندارد خيلي بده شخصيت شما را منكوب می‌كند عظمت روح شما را مورد تعدي قرار ميدهد اما من شما را جهنم نمی‌برم بخاطر اين كه اين حسادت زمانی موجب جهنم و عقاب و عذاب خدا می‌شود ‌که در زبان و رفتار و برخورد من با ديگري ظاهر بشود.

 چطور من وقتی‌که به كسي می‌رسم كه خدا يك نعمتي به او داده اخم بكنم حرف بدي به او بگم احياناً جائي حقش را زير پا بگذارم يك جوري اين صفت را در عمل و ظاهر نشان بدهم اين می‌شود ديگر جزء گناهان كبيره آن‌وقت خدا بر آن صفت عقاب هم مي‌كند آدم را به خاطر اين صفت مذموم اخلاقي به جهنم هم می‌برد.

### حسادت آفت شخصیت انسان

 اين جمع اين دودسته روايات است اين يك مطلب كه من باز هم تكرار می‌كنم كه اين دودسته روايات با هم تعارضي ندارد به اصطلاح علمی‌ ناسازگار نيست و نتيجه اين می‌شود كه حسادت به‌عنوان يك ميكروب و آفت برای سلامت و كمال شخصيت انسان است. در روايات برش تاكيد شده يك امربسيار مذموم و ناپسند براي روح و روان انسان هست كه مبتلاي به حسادت باشد اما تا وقتی‌که در دل باشد ضمن اينكه روايات می‌گوید خيلي بد است ضمن اين كه تاكيد می‌كند كه هر مومني بايد بكوشد كه خودش را از اين مذمت اخلاقي و اخلاق ذميمه راحت و آزاد بكند اما درعین‌حال در آن عالم درون و روح، خدا می‌گوید من شما را می‌بخشم منت می‌گذارم تخفيف دادم به شما از باب لطف ومهرباني بر شما می‌بخشم اما اگر روزي اين صفت بد وناپسند در عمل شما در اخم شما در قهر شما برخورد نامناسب شما ظهور پيدا كرد آن ‌وقت من بر همان صفت شما را عقاب می‌كنم و عذاب می‌كنم و بشدت هم عذاب می‌كنم و از كبائر هم تلقي می‌شود از گناهان كبيره‌اي كه خدا وعده‌ي عقاب و جهنم داده اين يك مطلب در باب حسادت كه به ياد داشته باشيد آن‌وقت معناي اين مطلب كه من دودسته روايات را عرض كردم و جمعش كردم، جواب‌هاي ديگري هم دارد يك جواب درست‌تر و راحت‌ترش را عرض كردم.

##  وظیفه ما در قبال حسد

در مقامی كه احساس كرديم در برابر يك فرد ديگري مبتلاي به حسادت و رشك بردن و چشم و هم چشمی‌شديم كه مودّي به حسادت است دوتا كار وظيفه‌ي ماست اولينش اين است كه اين امر قلبي را نگذاريم در عمل‌مان ظاهر بشود بگذاريم در دل مخفي بماند بسياري از صفات ناپسند است كه آخرش آدم نمی‌تواند كامل آن ريشه را از دل بركند اما بايد تلاش بكند كه نگذارد اين حسادت در عمل آدم ظاهر بشود اين وظيفه‌ي اول ماست اگر خويش و قومی ‌داريم برادري داريم همكاري داريم دوستي داريم فردي در جامعه هست كه می‌بينيم خدا به او لطفي كرده عنايتي كرده فكر نكنيم كه آرزوي از بين رفتن اين نعمت و گرفتن اين نعمت از او اين چيزي را از ما حل می‌كند نه تا در عمل و برخوردمان با او بد عمل نكنيم اخم نكنيم قهر نكنيم بد نگوئيم و به هر نوعي كه ممكن است كه آدم در عملش ظاهر بشود.

### وظیفه اول: جلوگیری از ظهور حسد در عمل

اولين وظيفه‌ي ما در مبارزه با اين صفت مذموم اخلاقي اين است كه نگذاريم در عمل‌مان اين صفت خودش را نشان بدهد. سعي بكنيم با تلاش باكوشش با رياضت با تمرين كه نسبت به برادرمان خواهرمان دوستمان خويش وقوممان همسايه‌مان همشهري‌مان هم كشوري‌مان كسي كه خدا به اولطفي كرده و او را من ندارم اولين تلاش اخلاقي ما بايد اين باشد كه نگذارم در عمل اين صفت ظهور پيدا بكند برخوردم دلسوزيم راهنمائي اين‌ها همه را مثل يك آدم كه اين صفت را ندارم عمل بكنم اگر راهنمائي خواست راهنمائيش بكنم با اخلاق خوب با او تعامل بكنم و همه‌ی آن وظائف را انجام بدهم نگذارم اين حسادت بيايد رو اين رياضت خيلي ارزش دارد اين تمرين عملي كه اولين وظيفه‌ي يك انسان مؤمن است روح و روان آدم را خدائي می‌كند اگر آدم تلاش بكند اين اثر را در عملش ظاهر بكند خدا راه را نشان مي‌دهد و راه‌هاي خير و بركت را خدا وقتی‌که آدم مبارزه‌ي با نفس خودش بكند در اين اخلاقيات خيلي خدا لطف می‌كند شما نمی‌دانيد وما نمی‌دانيم كه مبارزه‌ي با نفس و مجاهده‌ي با اخلاق‌هاي ناپسند اگر كسي پيشه بكند ومبناي زندگيش قرار بدهد خدا چطور درهاي نور و هدايت را به او باز مي‌كند خدا چه لذت‌هاي معنوي به اوعنايت می‌كند ما غافليم از آن عوالم بسيار پر بركت و معنويت هستیم. «**وَ الَّذينَ جاهَدُوا فينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنين**‏»[[3]](#footnote-3) بايد مجاهده بكنيم در حسادت هم اولين عمل ما و وظيفه‌ي ما و مجاهده‌ي ما اين است كه نگذاريم در ظاهر رفتار ما در چهره‌ي ما برخورد ما رفت و آمد ما و تعامل ما با ديگران حسادت ظهور پيدا بكند اين اولين وظيفه‌ي ماست و اگر انجام داديم اين مجاهده درهاي نور الهي را به روي ما باز می‌كند اما اين كافي نيست اين يك بعد است.

### وظیفه دوم:

بُعد دوم، کمی عميق‌تر و البته مشكل تر است آدم هاي معمولي به اين سادگي نمی‌توانند انجام بدهند اين كار عشق می‌خواهد يك محبت الهي مي‌خواهد يك عالم عرفاني مي‌خواهد يك بصيرت واقعي نسبت به خداوند و عوالم معنوي مي‌خواهد كه آدم بتواند بيايد در اين گام دوم نقش ایفا بکند. در قدم اول آدم تمرين می‌كند رياضت مي‌كشد زحمت مي‌كشد كه در عمل خودش نسبت به همسرش برادرش خواهرش فرزندش خويش و قومش دوستانش همشهريانش افرادي كه مورد لطفي قرار گرفتند خدا يك نعمتي بهشان داده حالا مادي يا معنوي آدم با او هم بر خورد خوب بكند به خاطر اين كه حالا او دارد و من ندارم نيايم با او بد عمل بكنم اين كار تاحدي امکان‌پذیر است و وظيفه ي همه‌ی ماست كه انجام بدهيم واگر انجام ندهيم گناه كبيره كرديم اما از اين قدم اولش كه کمی راحت تر است اگر بخواهيم پرواز بكنيم و اوج بگيريم و وارد يك گام بلند‌تر وبالاتري بشويم اين است كه بيائيم برگرديم به دلمان، سعي بكنيم از دل واقعاً حسادت را بر كنيم اين كار، كار مشكلي است و بدليل اين كه فوق العاده اين كار مشكل است خدا لطف كرده در حديث رفع كه در كتاب هاي اصول ما آمده است و اول بحثم اشاره كردم در آن حديث رفع، رسول خدا نقل می‌كند كه خدا عنايت كرده منت گذاشته عذاب نمی‌كند ولي خيلي بد است اگر آدم بخواهد برود تو عالم عرفان واخلاق ومعنويت ويك چيز هاي ديگري را در اين عالم حس بكند بايد برود در دلش و ريشه‌ي حسادت را از آن جاي اصلي بركند اين كار البته خيلي دشوار تر است در میان صد تا آدم شايد يكي موفق به اين كار بشود ولي همه‌ی ما بايد آن تلاش را انجام بدهيم خود آن تلاش هم ارزش دارد و لو خيلي هم كامل به نتيجه نرسيم اين درباب حسادت است.

عرض امروز من در اين خطبه دوتا مطلب شد يكي اين كه روايات ما ازیک‌طرف حسادت را گناه كبيره وعذاب آور وموجب جهنم دانسته ازیک‌طرف گفته خدا مي‌بخشد جمع اين روايات اين بود كه اگر در عمل شما حسادت را ظاهر كردي گناه كبيره بوده و خدا هم عقابت می‌كند اما تا وقتی‌که در دل باشد بسيار بداست اما خدا بخاطر آن جهنم نمی‌برد مگر اين كه بياید در عمل ظاهر بکند اين يك مطلب، مطلب دوم اينکه ما در برابر اين آفت اين سم مهلك ايمان، اين صفت بسيار مذمومی‌كه تأثيرات و پيامدهاي منفي عظيمی‌در خانه وجامعه و براي فرد در دنيا و آخرت دارد دوتا كار را بايد انجام بدهيم كار اول اينکه تمرين بكنيم در عملمان اين حسادت نياد از درون ما وقتي مي‌خواهد بياد در رفتار ما ايست بازرسي بگذاريم نگهباني بدهيم دقت بكنيم كه اين صفت دروني نياد در برخورد من با صاحب نعمت با كسي كه خدا بهش لطفي كرده ظاهر بشود. اين تمرين می‌خواهد قدم دوم ا ينکه تلاش بكنيم دل را معالجه بكنيم اين مرض بسيار ناپسند قلبي را مورد معالجه ومداوا قرار بدهيم اين هم مطلب دوم

من در پايان اين قسمت از بحث روايتي را كه در كتب اهل تسنّن نقل شده و قاعدتاً روايت درستي هم بايد باشد و با قواعد جور و مناسب هست اين روايت را عرض می‌كنم اين روايت به اين شكل هست كه عرض شود كه اصحاب روزي در محضر رسول گرامی‌اسلام حضرت محمد ابن عبدالله بودند ديدند كه رسول خدا و پيامبر مكرم اسلام از يكي از افرادي كه در آن جمع بود از اصحاب حاضر در جلسه خيلي تمجيد وتعريف كرد خوب اين نكته همه ميدانستند كه تعريف پيغمبر اكرم مثل تعريف ماها نيست كه بي حساب و كتاب باشد حتماً اين تعريفي كه كردند و تشويقي كه نسبت به يكي از اصحابشان كردند يك رازي دارد يك نكته‌اي دارد كه آن را بايد پيدا كرد خوب اصحابي كه آنجا بودند واين راشنيدند رفتند در فكر اين كه ببينند چه خصوصيتي در اين فرد است كه اين جوري مورد تقدير و تجليل و تكريم و تشويق رسول خدا شده «**إِنْ هُوَ إِلاَّ وَحْيٌ يُوحى**‏»[[4]](#footnote-4) پيامبر گرامی‌اسلام آنچه كه می‌گويد جز وحي و استناد به وحي درونش چيزي نيست اين جور كه آمد تعريف كرد يك رازي دارد همه رفتند دنبال اين كه ببينند اين چه كار ميكند چه ذكري می‌گوید چه وردي انجام مي‌دهد چه اعمال نيكي انجام مي‌دهد كه اين جور مورد توجه پيامبر بزرگوار اسلام قرار گرفت راوي می‌گوید كه خوب هركسي رفت زندگي اين را زير نظر قرار داد و زواياي زندگي او را مورد توجه قرار دادند تا ببينند چه نكته‌اي در كار او پيدا می‌شود ديدند كه حالا اعمال عبادي مخصوصي انجام بده يك برنامه خيلي خاصي باشد اين جور چيزي نيست اعمال عباديش عادي است نمازي می‌خواند نماز جماعتي مي‌رود و طبق معمول دارد زندگي می‌كند بسياري از وقت‌ها اولياي الهي پيدا مي‌شوند كه زندگي ظاهرشان مثل بقيه است ولي اگر نزديك بشويد می‌بينيد يك گوهري را پيدا كرديد اگر اين گوهرها را در ميان جامعه پيدا كرديد قدرشان را بدانيد هستند افراد كم شمار اندكي كه از اولياي خدا هستند و مورد لطف خدا هستند و در ميان مردم گم هستند و ويژه‌گيهاشان شناخته شده نيست به هر حال اين فردي كه اين افتخار بزرگ تعريف وتمجيد رسول خدا را كسب كرده بود زير نظر گرفتند زواياي زندگي او را بررسي كردند ديدند كه حالت عادي دارد و نمازها و اعمال عاديش را انجام ميده شب هم با توجه به خدا می‌خوابد ذكر وقت خواب و توجه به خدا قبل از خواب خيلي مورد تاكيد هست و صبح هم به يك حالت طبيعي بلند می‌شود و نمازش را می‌خواند ودنبال كارش است ديدند يك چيز تازه‌اي تو زندگي اين آقا پيدا نمي‌شود سؤال بود برایشان يك روزي رفتند به او گفتند كه ما آن تعريف‌هاي رسول خدا را شنيديم بعد هم آمديم در زندگي تو ديديم تو هم مثل بقيه ما داري زندگي می‌كني چه چیزی است كه اين جوري رسول خدا به تو عنايت داشت حالا جواب اين آقايي كه آن جور مورد توجه نبي مكرم اسلام حضرت محمد مصطفي (ص)بودند این بود که گفت: «**مَا هُوَ إِلَّا مَا رَأَيْتَ**» زندگي من همين است كه می‌بينيد نمازم را می‌خوانم روزه‌ام را می‌گيرم عباداتم را انجام مي‌دهم و همين وظائف عادي يك مسلمان را انجام ميه‌دم و چيزي غير از اين نيست جز يك چيز جز يك مطلب و البته دوچيز است كه دراين جا آمده وآن اين است كه «**غیرَ أَنِّي لَا أَجِدُ فِي نَفْسِي لِأَحَدٍ مِنْ الْمُسْلِمِينَ غِشًّا وَلَا أَحْسُدُ أَحَدًا عَلَى خَيْرٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ**»[[5]](#footnote-5) من هيچ برنامه‌ي ويژه‌اي در زندگي خودم ندارم جز اين كه در دلم نسبت به برادرانم بخاطر اين كه خدا لطفي به آن‌ها كرده احساس حسد نمی‌كنم احساس كينه نمی‌كنم همين يك نكته در من است. نگفت كه حسد را در ظاهر عمل نمی‌كنم نشان نمی‌دهم می‌گوید نه در دلم حسد نيست اين خيلي مقام بلند عرفاني است اين يك بصيرت عالي عرفاني می‌خواهد كه كسي چنان همه‌ی عالم را از خدا بداند وچنان به مقام فناي الهي رسيده باشد كه در دلش نسبت به هيچ كس احساس حسادت نكند زندگي من همه چيزش مثل شما است اما در دلم حسادت براي ديگران نيست حالا بعد برويد خودتان را حساب بكنيد همه برویم خودمان را حساب بكنيم كمتر بين ما كسي پيدا می‌شود كه مبتلاي به حسادت نباشد و رسيدن به آن جا خيلي مشكل است افراد تلاش بكنند حسادتشان را نشان ندهند و بالاتر اين كه تلاش بكنند حسود نباشند آن جامعه چقدر آرام می‌شود چقدر به‌هنجار می‌شود تعادل پيدا ميكند و سعادت پيدا ميكند.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ قُلْ‏ أَعُوذُ بِرَبِ‏ النَّاسِ‏ ‏ مَلِكِ النَّاسِ إِلهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ‏ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ‏ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاس‏»

# خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد**  **و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم** **یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ**[[6]](#footnote-6) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

باز هم همه شما خواهران و برادران بزرگوار و خودم را به تقوي و پارسايي پرهيز از گناهان و آلودگي‌هاي اخلاقي و روحي عمل به دستورات و فرمانهاي خداوند و ياد و ذکر خدا درهمه احوال و تلاش در بندگي و پرسش او در همه اوضاع سفارش و دعوت مي‌کنم اميدواريم که خداوند همه ما را از پرستشگران واقعي خودش و پيروان فرمانهاي خودش قرار بدهد.

حضرت امیرالمومنین در نهج البلاغه می‌فرمایند: «**فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَ بَادِرُوا آجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ وَ ابْتَاعُوا مَا يَبْقَى لَكُمْ بِمَا يَزُولُ عَنْكُمْ وَ تَرَحَّلُوا فَقَدْ جُدَّ بِكُمْ وَ اسْتَعِدُّوا لِلْمَوْتِ فَقَدْ أَظَلَّكُمْ وَ كُونُوا قَوْماً صِيحَ بِهِمْ فَانْتَبَهُوا وَ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَهُمْ بِدَارٍ فَاسْتَبْدَلُوا فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثاً وَ لَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدًى وَ مَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَ بَيْنَ الْجَنَّةِ أَوِ النَّارِ إِلَّا الْمَوْتُ أَنْ يَنْزِلَ بِهِ وَ إِنَّ غَايَةً تَنْقُصُهَا اللَّحْظَةُ وَ تَهْدِمُهَا السَّاعَةُ لَجَدِيرَةٌ بِقِصَرِ الْمُدَّةِ وَ إِنَّ غَائِباً يَحْدُوهُ الْجَدِيدَانِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ لَحَرِيٌّ بِسُرْعَةِ الْأَوْبَةِ وَ إِنَّ قَادِماً يَقْدُمُ بِالْفَوْزِ أَوِ الشِّقْوَةِ لَمُسْتَحِقٌّ لِأَفْضَلِ الْعُدَّةِ فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَداً فَاتَّقَى عَبْدٌ رَبَّهُ نَصَحَ نَفْسَهُ وَ قَدَّمَ تَوْبَتَهُ وَ غَلَبَ شَهْوَتَهُ فَإِنَّ أَجَلَهُ مَسْتُورٌ عَنْهُ وَ أَمَلَهُ خَادِعٌ لَهُ وَ الشَّيْطَانُ مُوَكَّلٌ بِهِ يُزَيِّنُ لَهُ الْمَعْصِيَةَ لِيَرْكَبَهَا وَ يُمَنِّيهِ التَّوْبَةَ لِيُسَوِّفَهَا إِذَا هَجَمَتْ مَنِيَّتُهُ عَلَيْهِ أَغْفَلَ مَا يَكُونُ عَنْهَا فَيَا لَهَا حَسْرَةً عَلَى كُلِّ ذِي غَفْلَةٍ أَنْ يَكُونَ عُمُرُهُ عَلَيْهِ حُجَّةً وَ أَنْ تُؤَدِّيَهُ أَيَّامُهُ إِلَى الشِّقْوَةِ نَسْأَلُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَجْعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِمَّنْ لَا تُبْطِرُهُ نِعْمَةٌ وَ لَا تُقَصِّرُ بِهِ عَنْ طَاعَةِ رَبِّهِ غَايَةٌ وَ لَا تَحُلُّ بِهِ بَعْدَ الْمَوْتِ نَدَامَةٌ وَ لَا كَآبَة**»

 بدانيد كه خداوند شما را بي هدف نيافريده است شما را بي جهت وبي غايت رها نكرده است بدانيد كه ميان شما وبهشت يا جهنم الهي جز مرگ فاصله‌اي نيست تنها يك پل در جلوي روي شما قرار دارد كه عبور از آن شما را به بهشت ياجهنم می‌رساند آن نقطه ي پاياني كه هر نفس و لحظه‌اي آن را كوتاه می‌كند و هر ساعتي شما را به آن پايان نزديك می‌كند آن پايان بسيار نز ديك است آن را دور مپنداريد آن مرگي كه شما آنرا غايب وپنهان می‌پنداريد او حاضر است زيرا كه دو رشته‌ي شب وروز بسرعت آن پايان را به شما نزديك می‌كند آن امر نهان ومخفي كه شب و روز، شما را بسرعت به آن نزديك می‌كنند آن مخفي نيست آن مثل آفتاب روشن وآشكار است او بسرعت به سمت شما در حركت است مرگي كه شما را به رستگاري بي پايان يا شقاوت ابدي مبتلا می‌كند شايسته است كه شما همه‌ی كوششتان را به براي آن بكار گيريد با مرگ شما يا شاهد پيروزي بوده و سعادت جاويدان را به آغوش می‌كشيد يا در مهلكه‌ي عظيم عذاب و شقاوت خدا قرار می‌گيريد اين پايان در خور آنست كه همه‌ی تلاشها و كوششهاي ما را به خود معطوف دارد اين پايان شماست و چه زيبا پيشواي پارسايان و امیرمومنان آن را ترسيم كرده است **«فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَداً**» پس در اين دنيا از همين دنيا توشه‌اي برگيريد كه شما را در آخرت در حرز و دژ امين و استواري قرار دهد عرصه‌ي قيامت عرصه‌ي بلاها وخطرهاي بي پايان است امروز بايد شما خود را در دژ محكم و در خانه‌ي امني قرار دهيد كه روز قيامت شما را از آن همه خطرها و بلاها مصون دارد، بندگاني رستگار شدند كه تقواي خدا را پيشه كردند خير خواه خود بودند توبه را پيشاپيش مرگ تقديم خداوند كردند و بر شهوات كمر شكن خود غالب شدند آن اجل امروز مخفي است و آن آرزوها گول زننده است اما بسرعت مثل يك چشم زدن آن امر مخفي براي شما آشكار خواهد شد و آمال و آرزوهاي طولاني و خيال‌ها و وسوسه‌هاي شيطاني و كاخ عظيم آمال نفساني هنگام مرگ فرو خواهد ريخت شما خود را براي آن روز آماده كنيد اين بخشي از توصيه‌هاي زيبا و دلنشين و پر جاذبه‌ي مولا امير مومنان به تقوا وپارسائي بود.

خدايا به ما توفيق فهميدن و تخلق به اين اخلاق‌هاي زيبا و نيكو عنايت بفرما پس از اين توصيه‌ي به تقوي وپارسائي وخويشتن داري چند نكته هست كه عرض می‌كنم:

## امام موسی صدر

يك نكته اين است كه نهم شهريور يعني همين امروز مصادف با واقعه اي در لبنان هست در طول تاريخ بيست وچند سال قبل كه شايد تا بحال من هيچ وقت در مورد آن صحبت نكرده باشم اما امروز مناسب ديدم كه يك ياد آوري بكنم در تاريخ 9/6/1357همان سال پيروزي انقلاب در صحنه‌ي لبنان و در واقع در عرصه‌ي جهان اسلام واقعه‌ي ناگواري اتفاق افتاد كه همچنان هم ادامه دارد و آن مخفي شدن و ربوده شدن آيت الله بزرگ مرحوم سيد موسي صدر است كه من براي تجليل و قدرداني از يك عالم و شخصيت بزرگي مانند ايشان مناسب ديدم كه چند نكته و سخني توضيح بدهم.

 مرحوم آيت الله سيد موسي صدر از يك خانواده ايست كه در طول قرن‌ها از آغاز صدر اسلام تا دوره ما هميشه و در همه‌ قرن‌ها اين خاندان بزرگ از درون خودش علما فقها محدّثان و چهره‌هاي بزرگي را تحويل عالم اسلام داده، شايد ما يك خانواده‌اي با اين عظمت و بزرگي كه دائم در هر قرني و در هر مقطعي پس از مقطعي انديشمندان و متفكران و چهره‌هاي بزرگي را تحويل داده باشد كم داشته باشيم.

 از اين خاندان شهيد ثاني بوده، از اين خاندان سيد اسماعيل صدر بوده و بسياري از متفكراني كه در اين دودماني كه به امام موسي ابن جعفر منتهي می‌شود برخاستند. در دوره ي معاصر ما دو تا از اين خانواده از چهره‌هاي بزرگ داشتيم يكي مرحوم سيد محمد باقر صدر كه در نجف به شهادت رسيد و يكي هم آيت الله سيد موسي صدر كه در لبنان بودند. من اولاً می‌خواهم بگویم كه هر دو شخصيت در همان سال پيروزي انقلاب از امت اسلامی‌گرفته شدند شخصيت‌هاي نابغه متفكر، سياستمداران اثر گذار و بسيار مؤثر در جهان اسلام هر دوي اين بزرگواران از كساني بودند كه می‌توانستند كشوري را زير و رو بكنند و تحولات بزرگي را بوجود بياورند.

من خيال می‌كنم با نقشه‌ي واحدي و يك طرح و توطئه اين دوچهره‌ بزرگ كه از يك خاندان هم بودند هردو هم از نوابغ حوزه‌هاي شيعه مابودند از جهان اسلام گرفته شدند. مرحوم آيت الله شهيد صدر را با آن وضع فجيع در زندان بشهادت رساندند در عراق همان كسي كه با همه‌ی عظمت علميش در سال انقلاب به شاگردانش و مقلدانش در نامه‌اي نوشت كه «**ذوبوا في الامام كما ذاب هو في الاسلام**»؛ به مقلدانش نوشت شما خود را فاني در امام بكنيد همانطور كه او خودش را در اسلام ذوب كرده و آن حركت‌هاي بزرگ و آثار علمی‌عجيب و عظيمی‌كه مرحوم شهيد صدر داشت ايشان را آنجا شهيد كردند در همان سال يكي دو سال بعد از پيروزي انقلاب، مرحوم (مرحوم كه نه انشاالله زنده‌اند و بر می‌گردند) آيت الله صدر را در يك سفري كه به ليبي داشتند بودند و بعد از بيست و دوسال هنوز هم هيچ خبري از ايشان نيست.

آقاي سيد موسي صدر در حوزه قم تحصيل كرده بود از يك خاندان بزرگ مرجعيت برخاسته بود، بدرجات والاي علمی ‌رسيده بود بر اساس يك وظيفه ايشان از ايران رفت در لبنان و كاري كه ايشان در لبنان كرد براي شيعه براي مسلمان‌ها براي فلسطيني‌ها براي مسيحي‌ها در آنجا يك كار عظيمی‌بوده كه ما كمتر رهبر سياسي با اين اقتدار فكر و عظمت داريم.

آقاي صدر وقتی‌که به لبنان رفتند اولاً شيعيان كه يك بخش معظمی ‌در لبنان هستند و در آن زمان زير فشارهاي شديد بودند در فقر فلاكت عقب افتادگي بودند ايشان با عظمت روحي خودشان با درايت و سياست و كياست خودشان اين جمعيت پراكنده و فلاكت زده و پر مشكل شيعه را مبدل كرد به يك جمعيت قوي منسجم و اثر گذار در صحنه سياسي لبنان و خاور ميانه يك كار بسيار عظيم ايشان اين بود که با نفوذ خودش با كلام خودش با فكر خودش با سخن خودش با ايمان و اخلاص خودش يك جمعيت پراكنده شيعه در يك كشور بسيار مهم در قلب خاورميانه و در مجاورت با اسرائيل را مبدل كرد به يك جمعيت آبرومند سر افراز و با افتخار كه تا امروز ما می‌بينيم شيعياني كه دست پرورده او بودند در جنوب لبنان چه افتخاراتي آفريدند و جزء اركان سياست دنياي اسلام در خاورميانه شدند.

### اصلاح وضع آشفته لبنان با تدبیر امام موسی صدر

لبنان يك كشوريست كه مسيحي دارد با طوائف مختلف مسيحيت كه آنجا هستند، اهل تسنن دارد با نحله‎هاي مختلفي كه دارند، شيعه دارد و فرق ديگر يك كشوريست كه يك كلوكسيوني است از تفكرات و مذاهب و اديان مختلف يك مجموعه خيلي نا همگن است، مرحوم آقا سيد موسي صدر از یک‌طرف شيعه را عزيز كرد، يك روحاني و مجتهد جوان آگاه هشياري كه از قم رفت آنجا با روشن انديشي با روشن بيني خودش با فكر و اخلاص خودش شيعه را آبرومند كرد، شيعه را از آن جمعيت عقب مانده گرفتار و اسير توطئه‌ها مبدل كرد به يك جمعيت و جامعه‌اي پر افتخار و سر افراز، از طرف ديگر روابط شيعه و اهل تسنّن را به نحو بسيار خوبي تنظيم كرد، از طرف ديگر جلوي تجزيه لبنان، جلوي نفوذ اسرائيل و از هم پاشيدن لبنان را ايشان گرفت و از نظر علمی ‌و حركت‌هاي علمی‌كارهاي بزرگي را ايشان در چند سالي كه آنجا بودند انجام دادند.

### امام موسی صدر و حمایت از انقلاب ایران

 در حمايت از انقلاب ايران قدم‌هاي بسيار بزرگي برداشتند و در نشر و گسترش فكر اسلام كار‌هاي عظيمی‌ انجام دادند ايشان سخنراني می‌كردند آن قدر سخنراني‌هاي جالب و جذاب و پر محتوا و عالمانه‌اي كه مسيحي و شيعه و سني انبوه انبوه هجوم می‌بردند كه بروند در محضر ايشان در دانشگاه‌هاي مختلف استفاده بكنند در مجالس مختلف استفاده بكنند به هر حال يك چهره‌اي با اين عظمت كه ما شايد مثلش واقعاً كم داشته باشيم و باعث افتخار ما شيعه بود كه يك چهره اين گونه مي‌رود هم شيعه را سرافراز كرد هم وحدت ميان كل فرق و مذاهب ايجاد كرد و گفتگوي اديان را در آنجا راه انداخت و روابط قوي و سالم و روشن بينانه در آن مجموعه ايجاد كرد در عين اين كه شيعه را به افتخار و اوج مجد و عظمت رساند.

 ايشان را در سفري كه به ليبي داشتند كه قضايایش خيلي پيچيده است ناگهان ايشان مخفي شد و بعد از بيست و چندسال از 9/6/1357تا بحال ايشان مخفي است ايشان اگر زنده باشند الآن در حدود هفتاد وچند سال بايد باشند به هر حال يك چهره‌اي با اين عظمت و با اين تاثيري كه می‌دانست هم براي شيعه هم براي اسلام و هم براي لبنان در آنجا داشته باشد گرفتند و براي ما هم خيلي افتخار است كه يك ايراني برود آنجا و آن جور مورد علاقه و استقبال همه‌ فرق و طوايف در لبنان قرار بگيرد به هر حال قدرداني از اين عالم بزرگوار اقتضا می‌كرد كه چند جمله‌اي درباره او گفته بشود، بخصوص جوان‌هاي ما امروز بيش از هر زمان نياز دارند كه اين علما اين چهره‌ها اين دانشمندان بزرگ كه جزء مفاخر ما هستند را بشناسند، اميدواريم خداوند وسائل استخلاص ايشان را فراهم بفرمايد.

## هفته دولت

 نكته بعدي اینکه هفته دولت به پايان رسيد و بحمدلله دولت جديد با تنفيذ مقام معظم رهبري و با راي مجلس شكل گرفت و در هفته دولت هم خدماتي كه دولت در طول سال براي مردم انجام داده بود برخي‌اش بيان شده و طرح ها و پروژه‌هائي هم در شهرها و مناطق و استان‌هاي مختلف افتتاح شد وآنچه كه مهم است آن سخنان و رهنمودهاي جامع و ارزشمندي بود كه مقام معظم رهبري در نشست با رئيس جمهور و هيئت دولت فرمودند كه قاعدتاً اكثر شما آن را گوش كرده‌ايد و محورهايش را ملاحظه كرده‌ايد.

## فرازی از رهنمودهای مقام معظم رهبری

 تأكيدي كه ايشان براي آرامش در كشور نياز كشور به آرامش و وحدت و انسجام داشتند تأكيدي كه ايشان براي حل مشكل اشتغال و مسائل مربوط به جوانها داشتند تأكيدي بر اين داشتند كه دولت مبارزه با فقر و فساد را بايد در سر لوحه كارخودشان قرار دهند، تأكيد بر هماهنگي قواي كشور و نيروهاي مؤثر در كشور براي حل مشكلات مردم و اين كه بايد خودشان مشكلات را حل بكنند و به صورت آرام و منطقي مسائل‌شان را حل بكنند.

## وظایف فرهنگی حکومت

 تأكيدي كه ايشان داشتند با الهام از دستورات اسلام بر اين كه مجموعه كارگزاران و دولت اسلامی ‌در قبال فكر و فر هنگ جامعه و اخلاق در جامعه مسئول است امر مهمی‌بود. دولت اسلامی ‌يك دولت ليبرال و غربي نيست كه بگوید من شرائط را براي كار فرهنگي بطور كلي آماده می‌كنم بقيه‌اش با خود مردم البته فكر و فرهنگ را بايد خود مردم بسازند و دين بايد در خود قلوب جامعه نفوذ داشته باشه وجامعه بايد دين خواه و ديندار باشند تا حكومت و نظام هم ديني بشود اما درعین‌حال اين مسئوليت حكومت و نهاد‌هاي فرهنگي حكومت را در قبال اخلاق مردم عفت و پاكدامني مردم فكر نسل جوان و انديشه ي ديني را محو نمی‌كند.

همه‌ كساني كه در مجموعه حكومت قرار دارند همان طور كه در قبال ماديات و اقتصاد وحل مشكلات مسئوليت دارند در قبال ناهنجاریهاي اجتماعي در قبال اخلاق‌هاي ناپسند در قبال رواج فساد و منكر در قبال فرهنگ سازي ديني مسئوليت دارند اين هم محور ديگري بود كه بايد مورد توجه باشد و اميدواريم كه در اين فصل جديد و برنامه جديد انشا الله تلاش‌هاي خوب و منسجم و با وحدتي انجام بگيرد براي اين كه به اين محورها و مسائلي كه لازم است توجه بشود و انشاالله روابط ملت و دولت هيچگاه به آن روابط ناپسند و شرائطي كه مطابق با روح اسلام نيست مبدل نشود و با روابط خوب و صميمی ‌انشاالله همه‌ ما و همه‌ ملت و گروهها و بر اساس توصيه‌ها و دستورهائي كه اسلام داده است آنچه كه در قانون اساسي آمده و آن خط مشي‌هائي كه رهبري تعيين مي‌كند انشاالله همه دست به كارهاي بزرگ و برنامه‌هاي اساسي در كشور بزنند و انشاء الله با همت و تلاش مسئولان با خيرخواهي ودلسوزي آنها مشكلات كشور حل بشود.

 در شهر ما هم من از همين جا بايد تشكر بكنم از همه‌ مسئولان و همه‌ كساني كه براي پيشرفت كارها و برنامه‌ها در شهر تلاش كردند و اميدواريم كه مجموعه اداري ما در پايان هفته دولت بياد مرحوم شهيد رجائي و باهنر همان دينداري دين خواهي دلسوزي دوري از خلافها وتخلف‌هاي اداري با اين ويژگي‌ها انشاالله به رسيدگي به مردم به خدمت به مردم عزيز خدا جو و شهيد پرور و ارزشمند بپر دازند.

 نسئلك اللهم وندعوك بسمك العظيم الاعظم الاعز الاجلّ الاكرم يا الله اللهم انصرالاسلام واهله واخذل الكفر واهله خدايا دلهاي مارا به انوار و پرتوهاي معنوي قرآن كريم و اهلبيت عصمت وطهارت منور بفرما ما را از پيروان راه و صراط مستقيم خودت قرار بده قلوب ما را ازهمه‌ اخلاقهاي فاسد و رذائل اخلاقي پاك ومصون بدار بما توفيق خودسازي و اصلاح نفس عنايت بفرما خدايا نسل جوان ما را و ذريه ما را و آيندگان ما را از همه آفتها وخطرها محافظت بفرما خدايا جامعه ما را و جوامع اسلامی ‌را از گزند حوادث وخطرها محافظت بفرما خدايا از تو می‌خواهيم اموات ما گذشتگان ما گذشتگاني كه در نماز هاي جمعه شركت می‌كرده‌اند را غريق رحمت خودت بفرما ارواح طيبه شهدا وشهيدان رجائي و با هنر و روح مطهر امام و همه‌ی شهدا را با اولياء خودت محشور بفرما ما را ادامه دهنده راه آن بزرگواران قرار بده شر دشمنان اسلام را به خودشان باز بگردان خدايا همه‌ی خدمتگزاران به اسلام همه‌ی خادمان به اين ملت دلسوزان به اين جامعه ومردم عزيز ومقام معظم رهبري را مؤيد و منصور و محفوظ و مصون بدار به همه‌ی ما توفيق خدمتگزاري به جامعه و به ديگران عنايت بفرما سلام‌ها و درودهاي خالصانه و بي پايان و عاشقانه و مشتاقانه ما را در اين روز عزيز و گرامی ‌به محضر آقايمان مولايمان سيدمان سرورمان و امام غائب از انظارمان حضرت بقيه الله ابلاغ بفرما قلب نوراني او را از ما خشنود بدار چشم ما را به جمال نوراني او روشن بفرما در فرج آن حضرت تعجيل بفرما

«**بسم الله الرحمن الرحيم قل هوالله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احد والسلام وعليكم ورحمه الله وبركاته**»

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره‌ي توبه، آيه‌ي 119. [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره عنکبوت، آیه 69 [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره نجم، آیه 4 [↑](#footnote-ref-4)
5. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره آل‌عمران، آیه 102، صفحه 63. [↑](#footnote-ref-6)